

نگرش تازه در مورد نظام بانکی و پولی کشور

نظام اقتصادی و مالی هر جامعه تصویر گویایی از درجه رشد و انکشاف اقتصادی، نحوه زندگی مردم، استقلال و وابسته گی آن جامعه است. ابزار و وسایل مورد نیاز نظام اقتصادی عمدتاً شامل سیستم مالیاتی، نظام پولی و نظام مالی است که هر یک اثرهای بسیار مهم و گسترده یی در تمامی زمینه های اقتصادی - اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به جا میگذارند.

برای این که جامعه بتواند به صورت استوار و مستحکم در مسیر هدفهای مورد نظر حرکت نماید، لازم است سیستمهای مالیاتی، پولی و مالی به عنوان یک مجموعه یی هماهنگ و در هم تنیده در پیوند با دیگر اجزای نظام اقتصادی عمل نمایند و در راستای تحقق اهداف استراتژی و سیاستهای مقطعی نظام سوق و هدایت گردند.

یکی از اهداف مهم سیاستهای پولی و مالی این است که عرضه و تقاضای کالاها را در حالت تعادل نگهدارد تا این که ثبات قیمتها در بازار به وجود آید. باید در نظر داشت که تحقق این هدف ممکن است وسیله یی برای تحقق هدفهای دیگر مانند استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی و جلوگیری از فشار اقتصادی بر طبقات متوسط و زحمتکشان جامعه باشد. همسویی سیاستهای مالی و پولی در واقع متضمن ثبات اقتصادیست. در نظامهای اقتصادی که در آن عملیة اقتصادی بر پایه معادله «پول - کالا - پول» جریان دارد، معمولاً بانکهای مرکزی به عنوان اندیشه گر و تصمیم گیرنده در نظام بانکی کشورها، سیاستهای پولی را تنظیم و از طریق شبکه های بانکی آن را به مرحله اجرا در می آورند.

سیاستهای پولی بیشتر به حجم نقدینگی توجه دارند در حالیکه سیاستهای مالی به ایجاد تعادل در عرضه و تقاضای کالاها در جامعه می پردازند، سیاستهای پولی را میتوان به طور ساده و با افزایش یا کاهش حجم پول در جریان، کنترل و اعمال کرد.

با اهمیت این است که سیاستهای پولی با سیاستهای مالی هماهنگی داشته باشند زیرا ایجاد تعادل در کل اقتصاد بیشتر مستلزم تعادل در دو بخش پولی و مالی است هماهنگی در سیاستهای پولی و مالی موجب خواهد شد تا پس اندازهای ملی به سمت سرمایه گذاریهای زیربنایی و اشتغال سوق داده شود و با افزایش تولید و ایجاد تعادل در عرضه و تقاضای کالاها، پول ملی ارزش واقعی خود را به دست آورد و جامعه از یک نظام اقتصادی نسبی مستحکم بر خوردار شود و مانع بی ثباتی اقتصادی گردد.

بنابر اهمیتی که بانکها در اجرای سیاستهای پولی - مالی دارند لازم است تا در رابطه به نقش بانکها در رشد و توسعه فعالیتهای اقتصادی درنگی نداریم.

امروز بانکها به کمک سیاستهای اعتباری و مالی خود توانایی آن را دارند که وسایل رشد و توسعه اقتصادی و یا برعکس کندی و رکود اقتصادی را در یک کشور فراهم نمایند.

بانکها میتوانند با اعطای قرضه های تجارتي، صنعتی و تولیدی، وسایل رشد و توسعه کشور را فراهم نمایند و همچنین میتوانند با اعطای اعتبارها موجب تشویقی توسعه صادرات، افزایش تولیدات داخلی، توسعه صنعتی و کشاورزی و توسعه تجارت داخلی و خارجی را فراهم نمایند و باعث تشویق مردم برای پس انداز شوند.

نقش بانکها در جمع آوری سرمایه های کوچک و به کار انداختن آنها در پروژه تولید و مصرف، بسیار حایز اهمیت بوده آنها با طرح و اجرای سیاستهای دقیق علمی میتوانند در رشد و توسعه اقتصادی سهم به سزایی داشته باشند.

با این پیش زمینه موجز، میپردازیم به توضیح برخی موضوعاتی مربوط به روشهای مالی و بانکی کشور:

در وضعیت جاری که در جریان سه دهه جنگ و تجاوز زیرساختهای اساسی کشور در کلیه عرصه ها به ویژه در عرصه اقتصادی اغلباً تخریب و یا به شدت آسیب دیده است، سرمایه گذاری جدید و تسریع پروژه انباشت سرمایه از طریق سکتور دولتی و خصوصی خاصاً در عرصه های تولیدی و صنعتی به حیث اساسی ترین مسأله به منظور انکشاف و ترقی کشور مطرح است.

معضل اساسی رشد اقتصادی کشور در بُعد داخلی این است که، از یکسو بدون ایجاد تأسیسات پایه یی و زیرساختهای اساسی، رشد، انکشاف، بازسازی و توسعه اقتصادی کشور مقدور نیست و از سوی دیگر بنابر کمبود وسایل و نبود زمینه ها و علل تشویقی، روند سرمایه گذاری با مشکلات فراوانی همراه است و بسیاری از سرمایه گذاران داخلی که تضمینی برای ادامه فعالیتهای اقتصادی خویش ندارند در پی انتقال سرمایه و ثروتهای انباشته خویش از کشور اند.

با آن که تاکنون دولت افغانستان کدام برنامه علماً تنظیم شده را در ارتباط به انکشاف اقتصادی - اجتماعی کشور طرح، تدوین و تصویب نکرده است و صرفاً به طرح سیاستهای اقتصادی مبهم که فاقد سرشت **انکشافی** اند اکتفا نموده است. ولی نباید نادیده گرفت که برخی اقدامهایی هم به منظور بهبود وضعیت اقتصادی کشور روی دست گرفته شده است، که در صورت تحقق آن میتواندست به امر انکشاف و ترقی کشور مؤثر واقع گردد. به سلسله این اقدامات مطابق الگوهای توصیه شده بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی بعد از سقوط الیگارشی طالبان و به میان آمدن شرایط جدید، از سوی حاکمان کشور و حکومت افغانستان تلاش صورت گرفت تا با تأسیس بانکهای خصوصی زمینه توسعه و گسترش فعالیتهای بانکی فراهم گردد و این فعالیتهای در راستای تحقق برنامه ها و سیاستهای اقتصادی دولت سمت و سو داده شود.

قبل از آن که اقدامات دولت را در عرصه فعالیت‌های بانکی و پیامدهای آن را به تحلیل بگیریم مفید است تا یک نظر گذرا به پیشینه فعالیت‌های بانکی کشور افکنیم.

نخستن بانک مدرن در سال (۱۳۱۲) خورشیدی با سرمایه ابتدایی (۳۵) میلیون افغانی معادل سه و نیم میلیون دالر آمریکایی به نام «بانک ملی» تأسیس شد و در پی آن در سال (۱۳۱۸) خورشیدی، بانک مرکزی افغانستان «د افغانستان بانک» در کابل تأسیس و سرمایه دولت از بانک ملی به این بانک انتقال یافت. در همان سال این بانک پولهای جدیدی را به چاپ رسانید. با چاپ پولهای جدید کاغذی «اسکناس»، پول افغانستان که نخستین بار در دوران سلطنت شاه امان الله به چاپ رسیده بود وارد مرحله نوینی شد.

مهم ترین گامی که در جهت ثبات پولی و کاهش تورم پولی بعد از سقوط طالبان و به میان آمدن شرایط جدید برداشته شد، جمع آوری پولهای سابق و چاپ پولهای جدید با ارزش معادل هزار برابر پولهای قبلی بود، در این دوره هر افغانی جدید با هزار افغانی سابقه معاوضه شد، به رغم آن که پایان روند معاوضه پول سابق با پول جدید آمیخته با بدترین فساد اداری - اقتصادی توأم با چپاول و دزدی پایان یافت، اما نقش زیادی در کنترل تورم پولی و افزایش ارزش افغانی در برابر ارزهای خارجی داشت.

در دوره انارشی اول جهادی! ارزش پول افغانی به شدت کاهش یافت، کاهش ارزش پول و نشر پول بدون پشتوانه باعث افزایش حجم پول در بازار شد. در دوره اول مجاهدین! همچنانی که بخشهای مختلف افغانستان توسط گروه های مختلف اداره میشد پول واحد نیز جای خود را به دو نوع پول با ارزش متفاوت داد.

در دوران حاکمیت «حزب دموکراتیک خلق افغانستان (حزب وطن)»، دولت جمهوری افغانستان نیز متصل به چاپ پولهای جدید و بدون پشتوانه جهت تمویل بودجه مصارفاتی خویش گردید. مزید بر اهداف مالی - اقتصادی یکی از اهداف نشر پول جدید در این دوران (بعد از دوران حفیظ الله امین) این بود که با چاپ پول جدید به روش دیرین «تغییر پول با دولت» پایان داده شود، به همین منظور در پولهای این دوره از فوتوی شخصیتها استفاده نشد و عباراتی که نشانه یک دوره یا یک حکومت خاص باشد به کار نرفته است. علاوه به آن در این دوره در سال (۱۳۵۸) خورشیدی برای اولین بار نشان رسمی «د افغانستان بانک»، در اسکناسها اضافه گردید.

در گذشته در نظام بانکداری افغانستان بانکهای تخصصی و تجارتي: (بانک انکشاف زراعتی، بانک صنعتی، بانک رهنی و تعمیراتی و پشتنی تجارتي بانک) در چوکات سکتور دولتی فعالیت مینمودند، با آنکه امکانات این بانکها محدود و بنیه مالی آنها ضعیف بود اما خدمات قابل لمسی را برای مردم انجام داده اند. این بانکها به ارایه خدمات سکتوری بانکی می پرداختند و بسیاری از مشکلات کردتی، اعتباری، ضمانتی و انتقال پولی را که در برابر انکشاف و توسعه اقتصادی کشور قرار داشت حل می نمودند.

نظام بانکی کشور تا قبل از به وجود آمدن مرحله اول انارشی جهادی! (۱۹۹۲) تا اندازه یی توانست فعالیت‌هایی را در گسترش مناسبات سرمایه داری انجام دهد و در روند تبدیل نیروی کار به کالا و تضعیف شیوه تولید اقتصاد طبیعی و رهایی نسبی تعدادی از دهقانها از وابسته گی به ملاکین مؤثر تمام شود.

با این پیشینه تاریخی فعالیت‌های بانکی در کشور، دیده میشود که افغانستان سابقه نسبتاً طولانی در بانکداری داشته و در این راستا تجربه را سپری نموده است. برخلاف گفتار مقامات دولتی مبنی بر این که «نظام بانکداری افغانستان نوپا میباشد»، این نظام نه تنها نوپا نیست بل، نظام تجربه دیده و دارای سوابق خوب و بر خوردار از کادرهای باتجربه و ریزرفهای غیر قابل انکار است که بر پایه آن تا حال در صورت موجودیت یک دولت مستقل و یک اداره کارآگاه و صادق میبایست به پیشرفتهای قابل لمس به نفع مردم و ترقی و انکشاف کشور نایل میگردد.

در حال حاضر (۱۷) بانک در چوکات سکتور خصوصی فعالیت دارند. به اساس گزارش بانک مرکزی افغانستان، میزان پس انداز و سپرده های مردم نزد افغانستان بانک، از (۶۰) ملیون دالر در سال (۲۰۰۲) به (۲،۸) میلیارد دالر افزایش یافته است و فعلاً بیشتر از (۵۰۰) تن کارمند بانکی مصروف کار در این عرصه میباشند. در گزارش سال (۱۳۸۸) خورشیدی بانک مرکزی افغانستان، مجموع دارایی های بانکی بالغ به (۱۴۴،۹۸) میلیارد افغانی نشان داده شده است. مطابق آمار منتشر شده "دافغانستان بانک" بیش از (۲) میلیارد دالر در ظرف چند سال اخیر در عرصه بانکداری در کشور سرمایه گذاری گردیده است و هفده همین بانک در نوامبر (۲۰۰۹) مجوز فعالیت را اخذ نموده است.

باید اذهان نمود که در سالهای نخست اشغال کشور، نظام پولی و مالی افغانستان در برخی از عرصه ها یک فرآیند صعودی را طی کرد و با تأسیس چند بانک خصوصی، تقویت بانک مرکزی، تأمین روابط و مناسبات کاری با تعدادی از بانکهای جهانی و صندوق بین المللی پول، ایجاد رفوم پولی و فراهم آوری زمینه های لازم برای اعمار ساختمانهای اساسی به منظور گسترش فعالیت‌های بانکی، نمایی از یک نظام مدرن بانکی را به نمایش گذاشت. ولی بنابر ترکیب سرشتی هیأت حاکمه کشور، ناکارایی دولت و جا به جایی شبکه های مافیایی در رده های بالایی برخی از بانکها، نظام بانکی ارزشها و اهدافی را که اعلام نموده بود و بایست دنبال میکرد تعقیب نکرد و آرام آرام به سوی سیستم مافیایی حرکت کرد که با منافع ملی کشور به هیچ صورت مطابق نیست و در نهایت این سیستم نمیتواند در روند رشد، انکشاف، توسعه و بازسازی کشور نقش مؤثر داشته باشد.

از ارقام تادیه قروض بانکهای خصوصی استنباط میگردد که فعالیت‌های این بانکها تاکنون در جهت توسعه و انکشاف اقتصاد ملی کشور مفید نبوده، زیرا قرضه های داده شده در بخش صنعتی و تولیدی بسیار ناچیز است، بیشترین کرایدها به دلیل سودآوری آن به بخش تجارتي اعطا میگردد، راهبرد مشخصی تا کنون برای فعالیت‌های بانکهای خصوصی تدوین نگردیده، نظارت و کنترل دولتی بر فعالیت بانکی وجود ندارد. با تأسف حاکمان جدید دوره اشغال در اولین اقدام خویش با برخورد تعصب آمیز و غیر منطقی، بانکهای تخصصی را

که در سکتور دولتی فعالیت داشتند زیر شعار «خصوصی سازی» منحل کردند و تا کنون نتوانستند بدیل آن را ایجاد بدارند.

در حال حاضر آن چنانی که «انارشی کنترل شده» برکشور تحمیل گردیده، نظام بانکی نیز با انارشی بانکی مواجه می باشد. در شرایط کنونی زیر شعار «اقتصاد بازار آزاد»، بانکهای کشور هر فعالیتی را که خودشان بخواهند و از آن سودهای کلان به دست آورند انجام میدهند، هیچ گونه طرزالعملی که منجر به نظارت مؤثر، کنترل، هدایت و سمت دهی بانکها در جهت سرمایه گذاری در اولویتهای اقتصادی کشور شود وجود ندارد. در نتیجه عدم کنترل و نظارت مستقیم و مسؤولانۀ بانک مرکزی بر بانکها، فرار سرمایه و ثروتها از کشور ادامه دارد، بانکهای خصوصی در افغانستان تنها وظیفۀ دریافت سود بلند را از طریق نقل و انتقال پول بدوش گرفته اند و بیشتر به دلالی و ربا خوری مصروف اند. پول مردم را با استفاده از تبلیغات عوامفریبانۀ رسانه یی می بلعند و سپرده های آنها را به خارج انتقال میدهند. مصداق قول ما افتضاح شرم آور اخیر «کابل بانک» است.

آنچه مبرهن است این که: سکتور بانکی موجود در افغانستان هیچ گونه کارآیی مؤثر در زمینۀ سرمایه گذاری و اعطای قرضه و اعتبار به بخشهای تولیدی کشور ندارد. شرایط پرداخت قروض برای مؤلدين بسیار سخت است. نظارت بانک مرکزی در زمینۀ دادن قرضه به بخشهای تولیدی و صنعتی وجود ندارد.

در نظام بانکی کنونی کشور تقریباً تمام بانکها وجوه قابل قرضه دادن را به صورت انحصاری برای یکعده از بنگاه های معین که مورد حمایت قشر بالایی و حاکم جامعه قرار دارند، محدود ساخته اند، بدین ترتیب تجار خورده پا، صاحبان صنایع کارخانه یی و خدمات، پیشه وران و کشاورزان و سایر اقشارنیازمند فرودست جامعه، ناگزیرند تا پول مورد نیاز خود را از منابع دیگر تأمین نمایند و معمولاً از قرض دهنده گان محلی و یا ربا خورانی که نرخهای بهره بالایی را مطالبه میکنند این پول را به دست می آورند. علاوه بر آن، بانکهای موجود مطابق منافع خود شرایط قرضه را طوری تعیین نموده اند که برای تأسیس بنگاه های اقتصادی جدید و هم برای توسعه و گسترش بنگاه ها سابق و تأمین مالی طرحهای تولیدی صنعتی و زراعتی مناسب نیست.

سیاستگذاران اقتصادی دولت خود آگاه اند که عدم اعطای قروض به ویژه قروض صنعتی و تولیدی توسط بانکها موجبات رکود و توقف رشد اقتصادی را میتواند فراهم نماید.

نکته قابل توجه دیگر این است که، روزانه مبالغ هنگفتی از طرق بانکهای خصوصی مستقیماً و یا با تضمین و خدمات اعتباری آنها به صورت غیر مستقیم از داخل کشور نقل و انتقال داده میشود و اغلب بانکهای خصوصی افغانستان به گونه یی متهم به «پولشویی» اند.

(پولشویی یعنی مشروع جلوه دادن پولهاییکه از راه های غیر قانونی و غیر مشروع بدست می آیند، با استفاده از روشهای که باعث پنهان شدن منشأ غیرقانونی آن پولها میشوند).

با آنکه در تمام کشورهای جهان پولشویی جرم محسوب می‌گردد ولی در کشور ما نه تنها مبارزه با پولشویی از سوی مقامات مسؤول دولت صورت نمی‌گیرد، بل، این عمل به یک روش معمول تبدیل شده و اقدامی پذیرفته شده جهت افزایش سود بانکها تلقی می‌گردد. عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر، منراهای قیمتی و تزئینی، سلاح و مهمات جنگی، تقلبهای مالی، رشوه، دزدی و سایر اعمال غیر اخلاقی امروزه نسبت به هر نقطه دیگر جهان در بانکهای کشور ما میتواند به سهولت به پولهای پاک، تمیز و مشروع تبدیل گردیده و منبع، محل انتقال و صاحبان واقعی این پولها پنهان و کتمان گردند.

فعالتهای که طی آن معاملات و درآمدهای نامشروع شکل کاملاً قانونی به خود میگیرند و از تعقیب مالی، عدلی و قضایی و مجازات قانونی رهایی می‌یابند در دایره سیستم مالی - بانکی کشور جریان دارد.

شیوه های تطهیر پول سیا و ناپاک پیچیده و متنوع است. یکی از معمول ترین روشهای پول شویی در کشور این است که پولشویان، برای کاهش جلب توجه مجریان قانون، افکار عامه و مطبوعات مقادیر زیاد پول نقده را به مقادیر کوچک تبدیل نموده و به طور مستقیم در چندین بانک و با چندین اسم سرمایه گذاری مینمایند و بعداً از این بانکها بمنزلت ابزار با اطمینان در پولشویی استفاده مینمایند. از شیوه دیگر تطهیر پول سرمایه گذاری مؤقت و به اصطلاح چند روزه در بنگاه های تولیدی، خدماتی و ایجاد سازمان و بنیادهای خیریه قلابی است.

از این دید پولشویی به عنوان یک جرم مالی، تأثیر منفی بر ثبات، رشد و توسعه اقتصادی کشور به جا گذاشته و میگذارد. از جمله اثرات منفی پولشویی میتوان از تخریب و برهم زدن بازار مالی، فرار سرمایه از کشور و به تبع آن ورشکسته گی بخش خصوصی، بی ثباتی در روند نرخهای ارز و بهره، بی اعتمادی مردم به نظام بانکی و مالی کشور و تشدید فساد اداری - اقتصادی نام برد. باید در برابر آسیبهای ناشی از ورود پولهای غیر ناپاک به بخش رسمی و قانونی تدابیر معین قانونی و مالی اتخاذ گردد. و سیستم مدرن نظارت و کنترل دولتی بر فعالتهای شبکه های بانکی و سایر نهادها و مؤسسات مالی و اعتباری غیر بانکی ایجاد و پیگیری گردد.

به طور خلاصه در سیستم بانکی موجود کشور، بانکهای خصوصی با بهره گیری از سیاست درهای باز و نبود نظارت دولت، صرف وسیله پولشویی و سپید کردن پولهای به دست آمده از مواد مخدر، قاچاق اسلحه، اختلاس، غارتگریهای سازمان یافته اقتصادی و انتقال آن را به خارج کشور به عهده دارند و تا کنون هیچ نوع نقش و تاثیر سازنده آن در روند سرمایه گذاری صنعتی و تولیدی به چشم نمی خورد. بالا بودن نرخ بهره بانکی عملاً مانع رشد سرمایه گذاری شده است.

سیاست جاری پولی دولت، فرار سرمایه از داخل را رسمیت بخشیده و به سرمایه گذاری در سکتور صنعت ضربه وارد نموده است، اداره دولتی بنابر ماهیتی که دارد قادر نیست تا سیاست اسعاری را با هدف ایجاد و تحکیم اقتصاد ملی، تدوین و عملی نماید. اسعاری که از طرف کشورهای جهان، نهادهای بین المللی، مؤسسات مالی و بشری جهان به نام کمک به بازسازی و توسعه به افغانستان سرازیر می شوند، بدون کدام

بهره برداری موثر اقتصادی، در بدل واردات کالاهای مصرفی و اکثراً غیرضروری و تجملی و یا در نتیجهٔ فعالیتهای پولشویی خارج می‌گردد. این در حالی است که اعتماد به پول افغانی بنابر نبود امنیت، مصئونیت، ثبات اقتصادی - سیاسی، عدم استقرار نظام معیین اقتصادی و بی باوری به آیندهٔ کشور در بین مردم و منطقه به وجود نیامده است و در اثر داد و ستد به اسعار خارجی به ویژه دالر، یورو، کلدار پاکستانی و ریال ایرانی، پول افغانی به تدریج موقف تبادله یی خود را در مارکیتهای منطقه یی در مقابل اسعار خارجی از دست داده است.

در فرجام این بحث باید گفت: تجربه اغلب کشورها نشان میدهد که بدون ایجاد یک سیستم منظم و مدرن بانکی که در آن نظارت و کنترل مؤثر و متداوم دولت بر بانکهای کشور تأمین گردیده باشد، نمیتوان گامهای اساسی را در امر توسعهٔ سرمایه گذاری و رشد و انکشاف اقتصادی - اجتماعی کشور و کاهش فساد اداری - اقتصادی برداشت.

از این دید در این مرحلهٔ انکشاف تکامل تاریخی کشور، ضرور است تا از تأسیس بانکهای انکشافی، زراعتی، تعاونی و کریدتی و سایر بانکهای تخصصی که هدف آنها کمک به مؤلدان و پرداخت وامهای کوچک کم ربع به زارعان، روستاییها، پیشه وران و دیگر اقشار تهی دست جامعه باشد حمایت صورت گیرد و در جهت فراهم نمودن زمینه های عینی ایجاد چنین بانکها تلاش صورت گیرد و از امکان تاریخی که از اثر حمایت و حضور جامعهٔ جهانی در افغانستان میسر گردیده است در امر تحقق این هدف استفاده مؤثر به عمل آید.

بر گرفته از ماهنامهٔ راه آینده شمارهٔ دوم جنوری ۲۰۱۱